

سفرنامه‌های ونیزیان در ایران

(نگرش و نگارش)

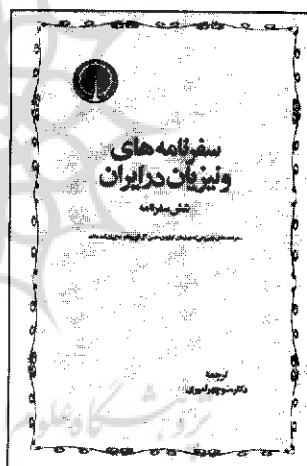
● پرویز عادل

و به میادله سفرای پرداخته‌اند.

در آن میان برخی از سفرای برای آگاه نمودن دولت و هموطنان خود از روند سفارتشان، به تشریح جریان سفر خویش پرداخته و سفرنامه‌های گران‌سنگی به یادگار گذاشته‌اند. جوزافا باربارو، آمبروزیو کنتارینی، کاترینو زنو، وینچنتو دالساندری و جیووان ماریا آنجوللو از زمره این گروه بوده‌اند. البته افرادی را که به میل خویش به مسافرت پرداخته و شرح سفر خود را به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند، تنها می‌توان یک مسافر نامید و نه یک سفیر، بازرگان و نیز از جمله این افراد است.

نویسندگان سفرنامه‌های ونیزیان در فاصله سال‌های حکومت اوزون حسن آق قویونلو (۸۸۲-۸۵۶ ه. ق.) تا سال‌های سلطنت شاه طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ه. ق.) به ایران آمده‌اند. انگیزه اصلی مسافرت آن‌ها، به جز آنجوللو و بازرگان و نیز، دلیل سیاسی بود. تا بر اثر اتحاد با ایران، امپراتوری عثمانی را تحت فشار قرار داده و از توسعه و بسط قدرت عثمانیان جلوگیری کنند:

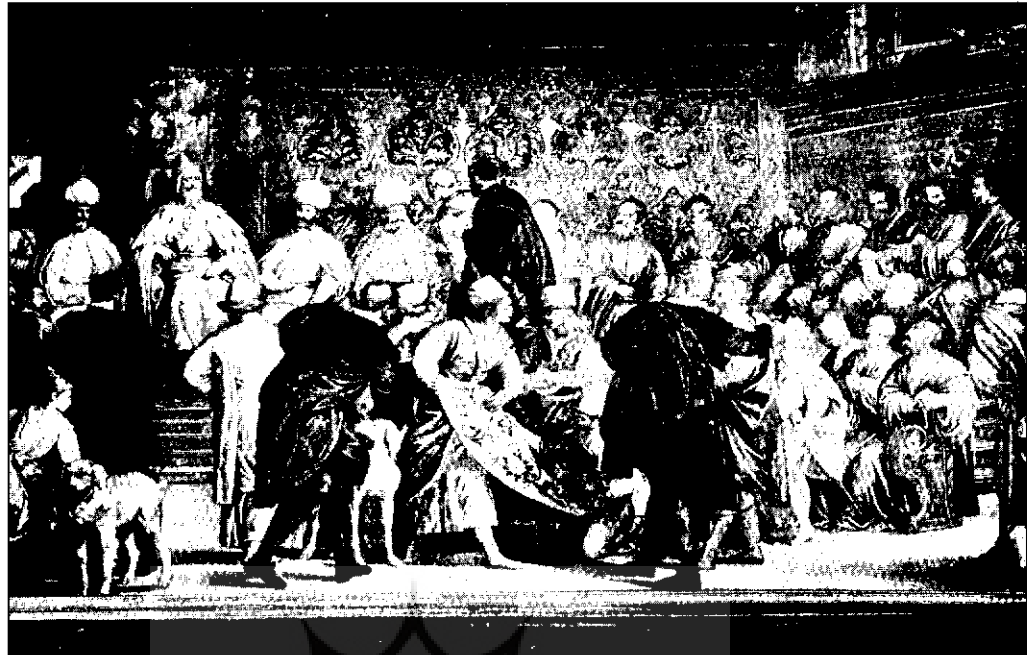
«ارتباط نزدیکی که جمهوری ونیز از زمان اوزون حسن تا اوایل حکومت صفویه با ایران پیدا کرد، در حقیقت ادامه روابطی بود که ایلیخانان یا فرمانروایان مسیحی و خاصه جمهوری‌های ایتالیا داشته‌اند. منتها در این دوره ونیز بیش از دیگران با عثمانیان درگیر و طالب هم‌پیمانی با ایران بود...»^۱ پیوندهای خانوادگی اوزون حسن با امپراتوری طرابوزان پای او را به سیاست جهانی باز کرد.^۲ هرچند فرمانروای آق قویونلو در این دوره امیر ناحیه‌ای کوچک بود، ولی افزایش تهدید عثمانی‌ها وی را وارد دیپلماسی پیچیده اروپا کرد. بنابراین دولت‌های آق قویونلو و ونیز به مبادله سفیر پرداختند.^۳ این مهم باعث شد ونیزیان قدرت نظامی اوزون حسن را با شرح و بسط زیادی توصیف کنند.^۴



- سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)
- نویسندگان: جوزافا باربارو و دیگران
- مترجم: منوچهر امیری
- ناشر: تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۹

مقدمه

جوامع انسانی در درازنای تاریخ خود با وقایع گوناگونی مواجه بوده‌اند. آن جوامع، بر اثر گذر زمان و به دلیل دغدغه‌های مختلف زندگی مجبور بودند به آینده‌ای نیک بیندیشند. راه رسیدن به آن مهم، توجه به گذشته است، از این روی مطالعه و شناخت گذشته لازم بود. بدین گونه گذشته و آینده به هم مربوط گشتند. برای شناخت هرچه بهتر تاریخ هر ملت، شناخت تاریخ ملل مجاور نیز لازم بود. بنابراین حکومت‌ها به ایجاد روابط دو جانبه با دول دیگر راغب گشته



تصویری از مجلس پذیرایی سفیران شاه عباس اول در دربار جمهوری ونیز، نقاشی به وسیله گابریل کالیاری

سه سفرنامه‌ی باربارو، زنو و کنتارینی به بحث درباره‌ی اوزون حسن و وقایع دوران حیات او اختصاص دارند

او اطلاعات جالبی درباره‌ی تاتارهای ساکن تانا ارائه می‌کند. وی در مورد فرهنگ زندگی و خوراک آن‌ها توصیف جالبی عرضه کرده، به گیاه خواری و عدم مصرف نمک نزد آن‌ها اشاره نموده است. (صص ۶-۲۴) باربارو در مورد آیین دادخواهی تاتارها نیز نکات جالبی آورده است. (صص ۳۰-۲۹)

مهم‌ترین نگرش باربارو درباره‌ی ایران، و صف شهرها است که در آن به تشریح مردم، آب و هوا، کسب و کار، زندگی روزمره، موقعیت جغرافیایی، اقتصاد کشاورزی و غیره پرداخته است.

قسمت اول سفرنامه‌ی باربارو شامل سفر وی به تانا، بیشتر به صورت اثری جغرافیایی نمایان است. اما قسمت دوم، شامل سفر باربارو به ایران، از جنبه‌ی تاریخی بیشتری برخوردار است. شیوه‌ی نگارش باربارو توصیفی است. او در شرح سفر، خواننده را با متن خود همراه می‌کند. به حدی که خواننده تصور می‌کند که با باربارو همسفر شده است. وی هرگاه که وارد شهر یا روستایی می‌شود، آن جا را با تمام ظرافت و دقت معرفی می‌کند. به عنوان نمونه در معرفی شهر ماردین، که آن را جزء قلمرو اوزون حسن می‌داند، راه ورودی، دروازه، دژ، ساکنین، پارچه‌ها و بیمارستان شهر را توصیف می‌کند. (صص ۹-۵۸)

باربارو در عین سادگی بیان وقایع و حوادث تاریخی، اطلاعات ذی‌قیمتی به خواننده ارائه می‌دهد و رخدادهای تاریخی را به طرز آشکاری بیان می‌دارد. همانند شرحی که درباره‌ی پذیرایی شاه از خود آورده است. (صص ۶-۶۵)

جوژافا باربارو درباره‌ی لشکرکشی اوزون حسن علیه پسر خود، اغورلو محمد، باز هم به نگارش نقلی می‌پردازد. این گزارش‌ها، در برخی موارد با نوشته‌های کاترینو زنو و یادداشت‌های جیووان ماریا آنجوللو تکمیل می‌شوند، مثل گزارش جنگ اوزون حسن آق قویونلو

سه سفرنامه‌ی باربارو، زنو و کنتارینی به بحث درباره‌ی اوزون حسن و وقایع دوران حیات او اختصاص دارند. کنتارینی و باربارو شرح ماجراهای سفر خویش را در سال‌های ۱۴۷۶/۸۸۱ و ۱۴۷۷/۸۸۲ به پایان می‌برند و سفرنامه‌ی زنو با بازگشت او به ونیز در سال ۸۷۸ هـ.ق. ۱۴۷۳ م. خاتمه می‌یابد.^۵

نوشتار حاضر به نحوه‌ی نگرش و نگارش نویسندگان سفرنامه‌های ونیزیان می‌پردازد. هدف از نگرش در این مقاله، نگرش تاریخی یا تاریخ‌نگاری نیست. هم‌چنان‌که مقصود از نگارش تاریخی یا تاریخ‌نگاری نمی‌باشد. بلکه منظور از «نگارش و نگارش» نگرش و نگارش شخصی نویسندگان ونیزی سفرنامه‌ها درباره‌ی وقایع تاریخی است.

سفرنامه‌ی جوژافا باربارو

سفرنامه‌ی باربارو دقیق‌تر و باارزش‌تر از سفرنامه‌های کاترینو زنو و کنتارینی است. باربارو مردی موشکاف و بصیر بود. او طی سفرهای اول خود به شرق با زبان‌های ترکی و پارسی آشنایی کافی یافت. سفرنامه‌ی باربارو مطابق دو سفر او به شرق، به دو بخش تقسیم می‌شود. ولی تعیین زمان دقیق مسافرت او مشکل است. بخش اول سفرنامه‌ی او، شامل سفر وی به تانا، تلاش بی‌نتیجه‌ی او و همراهانش جهت دست یافتن به گنج را بازگو می‌کند. بخش دوم این سفرنامه نیز درباره‌ی ایران است. (سفرنامه ونیزیان در ایران، ص ۱۹) باربارو در تأیید درستی گفتار و سلامت نگارش خویش خواننده را متقاعد می‌سازد که اطلاعات ارائه شده از طرف او عین واقعیت است. بنابراین جهت اطمینان بخشیدن به سخن خود، گاهی اوقات به شواهدی اشاره می‌کند. (ص ۸۲) باربارو هم‌چنین درباره‌ی محصولات کشاورزی و فرآورده‌های مناطق دیگر نیز مطالب ارزنده‌ای ذکر کرده است. (ص ۸۸)



جمهوری و نیز دولت
آق قویونلو در پوشش
ضدیت با امپراتوری
عثمانی، قدرت طلبی و
توسعه طلبی سیاسی را
دنبال می‌کردند

با سلطان محمد عثمانی.^۷

نکته جالب توجه در سفرنامه باربارو، واقعیت‌گرایی اوست. وی نقل می‌کند، تنها آن چه را که دیده، شنیده و یا به آن اطمینان داشته، به نگارش درآورده است.

ژان اوین، مورخ فقید فرانسوی، مقاله‌ای با عنوان «مشاهدات و شایعات در گزارش جوزفا باربارو درباره ایران (۱۴۸۷)» از خود به یادگار گذاشته است.^۸ هر چند نگارنده به آن نوشتار دسترسی نداشت، اما شاید بتوان با مطالعه سفرنامه باربارو، به منظور و یا عنوان مقاله اوین پی برد. شاید هدف اوین این باشد که هر چند باربارو مشاهدات خود را نگاشته است، اما در آن بین به اخبار و اطلاعاتی برمی‌خوریم که آن‌ها را از دیگران شنیده است، و از این جهت می‌توان در صحت و سقم آن اخبار تردید نمود.^۹

سفرنامه امبروزیو کنتارینی

سفرنامه کنتارینی را می‌توان در وصف اماکن و اشخاص خلاصه کرد. او دوائر خود به ذکر صفات اشخاص و معرفی اماکن جغرافیایی می‌پردازد. کنتارینی دلیل آن را چنین بیان می‌کند: «... چون می‌پنداشتم که شرح چنین سفری مهم و طولانی اخلاف ما را دلکش و سودمند خواهد افتاد، بر آنم که... به وصف شهرها و ولایاتی پردازم که از میان آن‌ها گذشته‌ام و نیز آداب و عادات و رسوم مردم آن دیار را بازگویم.» (ص ۱۱۵)

در نگرش کنتارینی توجه به خدای متعال جایگاه خاصی دارد. طوری که وی پس از انجام هر کار یا مأموریتی، خداوند را سپاس گفته و او را ستایش می‌کند. رویکرد همه جانبه کنتارینی به درگاه خداوند در تمامی اقدامات او نمایان است. چنین به نظر می‌رسد که نگرش کنتارینی به مسائل تاریخی، نگرش تقدس‌گرایانه است.

کنتارینی بر این باور است که جانب راستی و درستی را نگه داشته است. او نقل می‌کند که درباره وقایع تاریخی به بیان حقیقت پرداخته و از هرگونه دروغی پرهیز کرده است: «... شاید می‌توانستم این کتاب را به بیانی دلایزتر بنویسم، اما ترجیح دادم که حقیقت را چنان که می‌بینید ساده و بی‌پیرایه شرح دهم و از آوردن مطالب دروغ که به سبکی بدیع و دلکش تحریر یافته باشد پرهیزم...» (ص ۱۸۱)

او هم چنین اضافه می‌کند: «... من در این جا آن چه دیده و شنیده‌ام بیان می‌کنم و از ذکر بسیاری چیزهای دیگر که در ضمن بسیار مهم شمرده نمی‌شوند چشم می‌پوشم، زیرا نمی‌خواهم که داستان سفرم پربه‌دراز آکشد.» (ص ۱۸۳)

از این رو می‌توان کتاب کنتارینی را منبع موثقی دانست.

نویسندگان «سفرنامه‌های ونیزیان در ایران»
در فاصله‌ی سال‌های حکومت
اوزون حسن آق قویونلو (۸۸۲-۸۵۶ ه. ق.)
تا سال‌های سلطنت شاه طهماسب صفوی
(۹۸۴-۹۳۰ ه. ق.)
به ایران آمده‌اند

هم‌چنین سفرنامه کنتارینی را می‌توان شرح رنج‌ها و آلامی دانست که کنتارینی در حین سفارت خویش از ونیز به ایران متحمل شده است.

شیوه نگارش کنتارینی، شیوه خبری است که در آن تنها به نقل وقایع بسنده کرده است. طوری که متن سفرنامه کنتارینی به دلیل ارائه اخبار نقلی صرف و ذکر جزئیات، گاه خسته‌کننده به نظر می‌سد. اعتقاد به مسیح و مسیحیت از جمله اصول بنیادین در نگرش و نگارش کنتارینی است. او که حضرت عیسی (ع) را همان خدای پاک و منزه می‌داند، سفر خود را نیز جهت رضای آن حضرت آغاز کرده بود تا خدمتی انجام داده و باعث خشنودی حضرت مسیح گردد.

کنتارینی در نگارش خویش به کروئولوژی توجه دارد. او در این روش ضمن بیان حوادث مختلف، تاریخ وقوع آنها را نیز ذکر می‌کند. او به ذکر روزهایی از سفر خویش می‌پردازد که در آن روز واقعه‌ای عجیب و غریب اتفاق افتاده است. همانند ایام العرب که در تاریخ‌نگاری اعراب چنین ویژگی را دارد. به عنوان نمونه، وی آورده است:

«در تاریخ ۱۰ مارس ۱۴۷۴ [۸۷۸/۸۷۹]... میزبان من خیالم را آسوده کرد و گفت که دو سفیر از جانب اعلیحضرت پادشاه لهستان عازم سفرند و هم‌اکنون در شهرند و پیشنهاد کرد که با ایشان همراه شوم. این خبر سخت مایه خشنودی من شد و بی‌درنگ کشیش استفانو را نزد ایشان فرستادم تا بداند که من کیستم و پیغام دادم که از گفت و گو با آنان شادمان خواهم شد...» (صص ۱۸-۱۱۷)

کنتارینی در جای دیگر نقل می‌کند که در سوم آوریل ۱۴۷۴ به قصد یافتن محل اقامت پادشاه از یوزناما بیرون آمدم. هنگام مسافرت در داخل لهستان هیچ شهر و دژی که شایسته ذکر باشد نیافتیم و این شهر از نظر خانه و مسکن و دیگر چیزها با آلمان فرق

برانگیزد... دست کم پادشاهان مشرق زمین را نسبت به ترکان نگران و از اعمال آنان بدگمان سازد.» (ص ۲۱۰)

چنین به نظر می‌رسد که زنو و هموطنان وی اوزون حسن آق قوینلو را بزرگترین و یا یکی از بزرگترین پادشاهان مشرق زمین می‌دانسته‌اند که توان مقابله با سلطان عثمانی را دارد. زنو از روابط خانوادگی خود، که دسپینا خاتون (همسر مسیحی اوزون حسن) منسب اصلی آن بود، برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش استفاده کرد. برعکس انگیزه ملکه دسپینا نیز در کمک به او همان روابط خویشاوندی بود. در آن مورد باید دقت داشت که انگیزه ازدواج اوزون حسن و دسپینا خاتون، انگیزه سیاسی بود. از جهت دیگر، انگیزه اصلی مبادله سفرا بین جمهوری ونیز و دولت آق قوینلو هم انگیزه‌ای سیاسی بود که در آن میان طرفین در پوشش ضدیت با امپراتوری عثمانی، قدرت طلبی و توسعه طلبی سیاسی را دنبال می‌کردند. این مهم را در تمامی سفارت‌های دولت‌های مذکور می‌توان مشاهده کرد.

انگیزه اصلی کاترینوزنو در این مسافرت و نگاهستن سفرنامه، حس وطن پرستی او بود: «... این مرد در میان اکفا و اقران خود و بیش از همه در تعهد این رسالت شریف اما پر مخاطره لایق و شایسته می‌نمود و وطن پرستی زنو او را بر آن داشت که مخاطراتی را که پیش از رسیدن به مقصد و هنگام عبور از ممالک دشمن و نواحی ناشناخته در کمین او بودند نادیده بینگارد...» (ص ۱۸۸)

اما در جای دیگر انگیزه زنو در این سفر، عشق به دین مسیحیت ذکر شده است: «... کاترینوزنو... یا خشنودی مسافرت به ایران را بر عهده گرفت و تنها انگیزه‌اش در این کار عشق به دین مقدس [مسیحیت] بود...» (ص ۲۱۲)

در مورد ارزشیابی دو نظر فوق، با رجوع به متن سفرنامه کاترینو می‌توان بیان نمود که در این سفارت انگیزه سیاسی، یعنی وطن پرستی، کارآمدتر و نمایان‌تر از عشق او به دین مسیحیت بود.

کاترینو ضمن تشریح قیام اغورلو محمد، پسر اوزون حسن که علیه پدر عصیان کرده بود، انگیزه آن قیام را قدرت خواهی و جاه طلبی عنوان می‌کند. زنو معتقد است که اگر رشتۀ عمر اغورلو محمد دراز بود، می‌توانست جانشین لایقی برای اوزون حسن باشد. وی نقل می‌کند که دولت آق قوینلو و کشور ایران می‌توانستند به واسطه حکومت اغورلو محمد صاحب جاه و مقام گردند. زنو به آن بابت از مرگ اغورلو محمد اظهار تأسف می‌کند. (صص ۳۹-۲۳۸)

در تحلیل وقایع این دوران، از این نکته نباید غافل شد که ونیزیان در تلاش برای اتحاد سیاسی با ایران، منافع تجاری خویش

مهم‌ترین نگرش باربارو درباره ایران و صف‌شهرها است که در آن به تشریح مردم، آب و هوا، کسب و کار، زندگی روزمره، موقعیت جغرافیایی، اقتصاد کشاورزی و غیره پرداخته است

بسیار دارد. (ص ۱۱۹)

همان طور که می‌بینیم، روزهای دهم مارس ۱۴۷۴ و سوم آوریل ۱۴۷۴ به عنوان روزهای مهم از سوی کنتارینی انتخاب شده‌اند که در آن‌ها واقعه‌ای رخ داده است.

کنتارینی برخی مواقع به کارهایی پنهانی روی می‌آورد تا ماهیت سفارتش آشکار نگردد. گاهی مجبور بود خود را پزشک معرفی نماید و گاه خود را جای شخص دیگری وانمود می‌کرد. برخی اوقات پنهانی سفر می‌کرد تا از دیده خبرچین‌ها مخفی بماند. او گاه لباس‌های خود را با لباس مردم منطقه یا ناحیه محل اقامتش هماهنگ می‌کرد تا سوءظنی نسبت به خود پیش نیاید.

کنتارینی در هیچ جایی از سفرنامه‌اش به هدف و مأموریت خویش، که تحریک و ترغیب اوزون حسن به جنگ علیه عثمانی بود، اشاره نکرده است. از این بابت می‌توان اذعان داشت که کنتارینی سفیر وفاداری نسبت به آرمان‌های جمهوری ونیز بوده و در جهت تحقق هدف سیاسی دولت متبوع خویش رنج‌ها و مشقات زیادی را متحمل گشته است.

سفرنامه کاترینوزنو

در نگارش سفرنامه زنو، شرح مطالب جغرافیایی نسبت به سفرنامه‌های دیگران صراحت کمتری دارد. با این که روایت زنو از نظر تاریخی مقدم بر دیگر روایات است، اما بعد از سفرنامه‌های باربارو و کنتارینی قرار گرفته است. این در حالی است که باربارو و کنتارینی، جانشینان زنو بوده‌اند. (ص ۱۸۹) درباره انگیزه زنو در سفر به ایران آمده است:

«... در زمانی که همه جهانیان از قدرت [سلطان] محمد، ترک واهمه داشتند کاترینوزنو ی نجیب‌زاده... از طرف جمهوری ما [ونیز] به عنوان سفیر به دربار اوزون حسن گسیل شد تا اگر کشور ما نتواند شهریاران مغرب زمین را به جنگ با دشمن مشترک

ونیزی‌ها برای مدتی مدید به خصوص در زمان اوزون حسن، تقریباً انحصار تجارت ابریشم ایران، آسیای مرکزی و چین را در دست داشتند

**کنتارینی در هیچ جایی از سفرنامه اش
به هدف و مأموریت خویش،
که تحریک و ترقیت
اوزون حسن به جنگ علیه عثمانی بود،
اشاره نکرده است**

گفته‌های او آشفتگی سیاسی ایران در دوران پس از مرگ اوزون حسن و سلطان یعقوب آق قویونلو را به ذهن متبادر می‌کند. دلیل آن آشفتگی جنگ‌های داخلی بین اعضای خاندان آق قویونلو بود. (ص ۱۸۹)

آنجوللو پس از شکست شاه اسماعیل صفوی از سلطان سلیم عثمانی در جنگ چالدران (۹۲۰ هـ. ق.)، نگارش درباره تاریخ ایران را ادامه نمی‌دهد، بلکه به شرح مفصل جنگ سلطان سلیم با مصریان می‌پردازد. (ص ۱۹۱)

توصیف لشکر سلطان محمد فاتح و ارائه گزارش دقیق از اوضاع داخلی آن سپاه، یکی از نقاط قوت سفرنامه آنجوللو است. وی در مورد وقایع سیاسی ایران از زمان اوزون حسن تا اوایل حکومت صفویان اطلاعات ارزنده‌ای ارائه می‌کند. هم‌چنین در سفرنامه او به روابط ایران و عثمانی نیز اشاره شده است.

از مطالعه سفرنامه آنجوللو به این نکته پی می‌بریم که شاید او به اسناد رسمی و یا منابع تاریخی آن دوران دسترسی داشته است. طوری که در مورد مناسبات خارجی، به ویژه در مورد جنگ‌های شاه اسماعیل صفوی با شیبک خان ازبک و سلطان سلیم عثمانی اطلاعات مفیدی به دست می‌دهد. به عنوان نمونه، مطالب آنجوللو در مورد جنگ شاه اسماعیل با سلطان سلیم، (صص ۹۵-۲۸۸) تا حدودی با منابعی هم‌چون مجموعه منشآت السلاطین نوشته فریدون بیگ مطابقت دارد. این ویژگی، نگارش و نگارش آنجوللو را در مطالعات تاریخی، مفید جلوه می‌کند.

سفرنامه بازرگان و نیزی در ایران

سومین سفرنامه از مجموعه راموزیو، متعلق به مؤلف گمنامی است که در مسیر دمشق، حلب و ایران به بازرگانی مشغول بوده است. او بیش از هشت سال، یعنی از ۱۵۱۱ تا ۱۵۲۰ / ۹۱۶ تا ۹۲۵، را در ایران گذرانده و از نزدیک شاهد دوران شاه اسماعیل صفوی بوده است. سبک نگارش این سفرنامه پیچیده است و مطالب تاریخی آن صحت دارد. جالب آن که در نگارش این اثر شهرها و روستاها با

را نیز در نظر داشتند. آن‌ها برای مدتی مدید به خصوص در زمان اوزون حسن، تقریباً انحصار تجارت ابریشم ایران، آسیای مرکزی و چین را در دست داشتند. هم‌چنین کنسول‌های جمهوری ونیز در تبریز، لاهیجان و برخی نواحی خراسان با تجار ونیزی همکاری می‌کردند و از راه تجارت ابریشم سود زیادی به دست می‌آوردند. از این رو روابط جمهوری ونیز با ایران که با اهداف سیاسی آغاز شده بود، اهداف تجاری و اقتصادی را نیز به دنبال داشت.

نگرش زانو در مورد ایرانیان نگرش مناسبی نیست. او ایرانیان را تنها به خاطر داشتن قدرت نظامی ستوده است، و به گونه‌ای مغرضانه آن‌ها را از علم و ادب محروم می‌داند. (ص ۲۴۰) در حالی که این سخن نمی‌تواند درست باشد. چون در همان زمانی که زانو در ایران بود، ایران و ایرانیان از علم و ادب و فرهنگ درخشانی برخوردار بودند. در آن زمان دانشمندی همانند جلال‌الدین دوانی، میرخواند، ابوبکر طهرانی، فضل‌الله بن روزبهان خنجی، عبدالرحمن جامی، عبدالله هاتفی و دیگران می‌زیستند و با آثار خود به فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی ارج و مقام بالایی داده بودند.

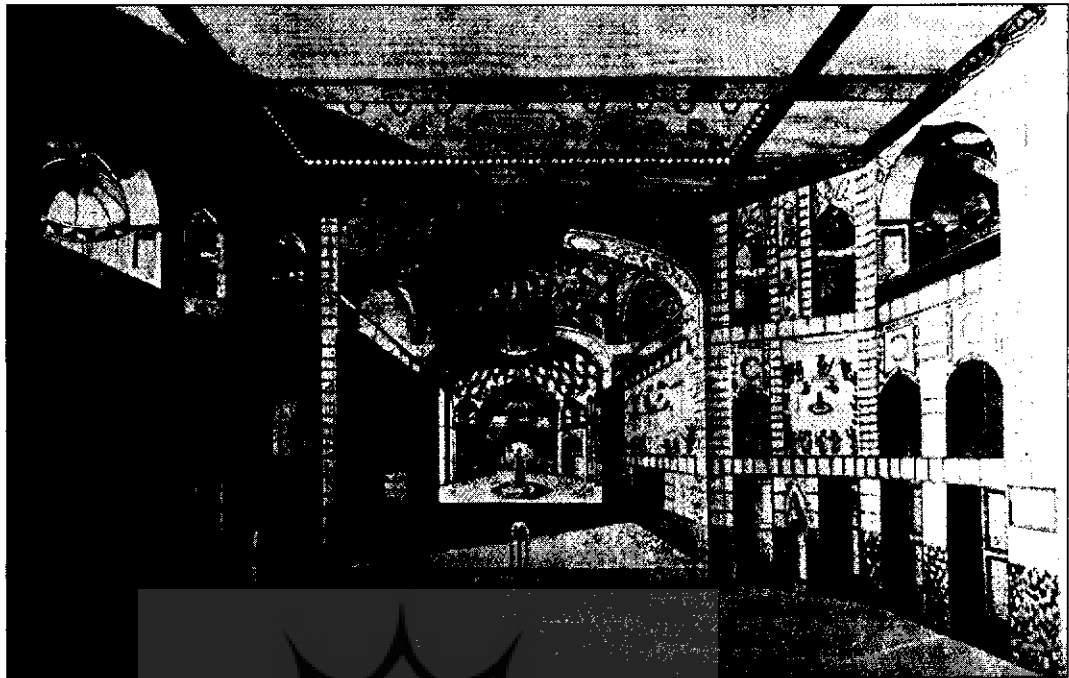
سفرنامه جیوان ماریا آنجوللو

آنجوللو که توسط سپاهیان عثمانی به اسارت درآمده بود، مجبور شد در زمره سپاه عثمانی درآید و علیه ایران وارد جنگ شود. بنابراین بیشتر حوادث تاریخی را از دیدگاه عثمانی‌ها شرح داده است. چون آنجوللو در متن وقایع قرار داشت و شاهد عینی بود، کتاب وی از اهمیت بسیاری برخوردار است. قسمت عمده کتاب آنجوللو در مسائل مربوط به تاریخ ایران، به دوران شاه اسماعیل صفوی اختصاص دارد. این اثر به ندرت به وصف مردم شهرها می‌پردازد. به آن علت اثر آنجوللو بیش از آن که یک سفرنامه باشد، به یک کتاب تاریخ شباهت دارد.

آنجوللو روی کار آمدن اوزون حسن را به اختصار بیان می‌کند و از حملات ترکان و جزئیات سفر جنگی آنان به تفصیل سخن می‌گوید.

توصیف لشکر سلطان محمد و ارائه گزارش دقیق از اوضاع داخلی آن سپاه، یکی از نقاط قوت «سفرنامه آنجوللو» است

◀ کاخ هشت بهشت
در دوره صفوی



طرز نگارش «سفرنامه بازرگان ونیزی» به گونه‌ای است که تصویر زنده‌ای از وضع اجتماعی مردم، شهرها، راه‌ها، رسوم و طبقات مختلف در عهد شاه اسماعیل صفوی ارائه می‌کند

است و هر کدام چنان بزرگ است که با آن می‌توان تویی ساخت و نقش‌های اژدها را چنان خوب ساخته و پرداخته‌اند که می‌پنداری جاندارند. از درون کاخ بر سقف تالار بزرگ باسیم وزرو لاجورد منظره جنگ‌های ایران را با بیگانگان که سال‌ها پیش از این روی داده است، نقش کرده‌اند، هم‌چنین تصویر گروهی از سفیران را می‌توان دید که از عثمانی به تیریز آمده و به پیشگاه حسن بیگ باریافته بودند بامتن تقاضانامه‌ها و جواب‌هایی که اوزون حسن به ایشان داده بوده است و این مطالب را به خط فارسی نوشته‌اند...» (ص ۳۸۹).

کاخ هشت بهشت شامل مسجد، حرم، میدان بزرگ، بیمارستان و تالارهای بزرگ بوده است. (صص ۹۲-۳۸۸) درباره این کاخ فقط سفرنامه بازرگان ونیزی مطالبی آورده است و بقیه سفرنامه‌های ونیزیان اطلاعاتی ارائه نمی‌کنند.

سفرنامه وینچنتود الساندري

سفرنامه الساندري در زمان شاه طهماسب اول صفوی نگاشته شده است. نویسنده درباره انگیزه نگارش این سفرنامه چنین نقل کرده است:

«اکنون برعهده گرفته‌ام که به دولت متبوعه فخریه جلیله شرحی بازگویم درباره نواحی و ممالک ایران و محصولات و خلق و خوی مردم آن سامان و شخص شاه و صفات معنوی او و وضع حکومت و دربار و چگونگی آداب و عادات و رسوم حاکم بر امور مملکت و مطالب مهم درباره اداره کردن دستگاه دادگستری و درآمد و هزینه و تعداد و توصیف «سلطان‌هایی» که کاری جز فرماندهی سپاه ندارند و خلاصه آن چه ذکرش برای آن عالیجناب مناسب می‌نماید.» (ص ۴۳۳)

شیوه نگارش الساندري، شیوه‌ای خبری است که در آن

تفصیل بیشتری وصف شده‌اند. (ص ۱۹۱)

طرز نگارش سفرنامه بازرگان ونیزی به گونه‌ای است که تصویر زنده‌ای از وضع اجتماعی مردم، شهرها، راه‌ها، رسوم و طبقات مختلف ارائه می‌کند. بازرگان ونیزی از راه اورفه و دیاربکر به تبریز آمد و سپس به دربند رفته و در لشکرکشی شاه اسماعیل به شماخی همراه او بود.^{۱۲}

در نگارش «بازرگان ونیزی»، شاه اسماعیل صفوی جایگاه الوهیت دارد:

«این صوفی را مردم کشورش مانند خدا دوست دارند و تکریم و تعظیم می‌کنند به خصوص سپاهیان که بسیاری از آنان بی‌زره به جنگ می‌روند و انتظار دارند که اسماعیل در پیکار نگاه‌دار ایشان باشد... نام خدا را در سراسر ایران فراموش کرده و فقط اسم اسماعیل را به خاطر سپرده‌اند...» (ص ۴۲۸)

بازرگان ونیزی در مورد نحوه نگارش خود نقل می‌کند که در کتابش تنها به ذکر آن چه که دیده و یا شنیده، پرداخته است. او یادآور می‌شود که در نگارش خویش جانب سادگی و بی‌پیرایگی را رعایت کرده و داستان خود را با الفاظ و کلمات نیاراسته است. (ص ۲۵۱) از این جهت شاید این اثر را بتوان منبع موثقی دانست. زیرا بازرگان ونیزی بدون هیچ گونه چشمداشت سیاسی و فارغ از گرایش‌های سیاسی و نظامی به نگارش این اثر پرداخته است.

مطلب مهم و منحصر به فرد در نگارش بازرگان ونیزی، آوردن مطلبی درباره کاخ سلطنتی اوزون حسن تحت عنوان هشت بهشت است. در این مورد نقل شده است:

«هر گوشه از بام کاخ را ناودانی است که آب از آن فرو می‌ریزد. این ناودان‌ها بسیار بزرگ و به شکل اژدها و از مفرغ ساخته شده

در حیطهٔ مطالعات سیاسی و نظامی مهمی نهفته است. او ضمن بیان وقایع و رخداد‌های مختلف تاریخی، به ذکر تعداد سپاهیان موجود در ارتش ایران، منزلت فرماندهان و روسای نظامی و اداری، منزلت شاه صفوی، تشکیلات و تقسیم‌بندی‌های متنوع سپاه صفوی، تنوع نژادی سپاه صفوی، عقاید مذهبی سپاهیان و نزاع حیدریان و نعمتیان می‌پردازد. در نگرش و نگارش الساندری، شاه صفوی جایگاه والایی دارد: «عشق و احترامی که مردم ایران به شاه دارند... باور نکردنی است، زیرا مردم او را نه هم چون شاه بلکه مانند خدا می‌پرستند زیرا از سلالهٔ علی [ع] است...» (ص ۴۴۵)

در نگارش الساندری، معرفی طوایف و قبایل، نمود خاصی دارد. او در معرفی چیندی‌ها آورده است: «پاره‌ای از طوایف ترک نیز هستند به نام چیندی ساکن بعضی از کوه‌های ارمنستان صغیر در سمت دریای مدیترانه و عدهٔ این چیندی‌ها اگر همه متحد شوند به هفت هشت هزار سوار می‌رسد که همه مردانی زبده‌اند و پیوسته آرزومند جنگ با ترکان عثمانی.» (ص ۴۵۰)

گزارشی که الساندری از دیده‌ها و شنیده‌های خود به سنای و نیز ارائه کرده است، مفصل نیست. اما تصویر زنده‌ای از خصوصیات اخلاقی شاه طهماسب صفوی و هم‌چنین نکات جالبی دربارهٔ سرزمین ایران به دست می‌دهد.^{۱۳}

گزارشی که الساندری از دیده‌ها و شنیده‌های خود به سنای و نیز ارائه کرده مفصل نیست. اما تصویر زنده‌ای از خصوصیات اخلاقی شاه طهماسب صفوی و هم‌چنین نکات جالبی دربارهٔ سرزمین ایران به دست می‌دهد

نتیجه

از نظر نگرش و نگارش، سفرنامه‌های ونیزیان و جوه اشتراکی دارند، که به طور خلاصه عبارتند از:

۱- محوریت قدرت‌طلبی و توسعه‌طلبی سیاسی
از منظر فراگیر می‌توان تمام انگیزه‌های رفتاری سفر در این سفرنامه‌ها را به قدرت‌طلبی و توسعه‌طلبی سیاسی اشخاص و دولت متبوع آن‌ها مربوط دانست. طوری که تمامی فعالیت‌های اشخاص و دولت‌ها حول محور قدرت‌طلبی و توسعه‌طلبی سیاسی می‌چرخد. در واقع به خاطر همین عامل بود که آن‌ها به تکاپو افتادند.

۲- ارائهٔ اطلاعات گوناگون علمی

چون سفرنامه‌های ونیزیان در ایران داده‌های گوناگون علمی را در خود گنجانده است، بنابراین اثر مذکور نه تنها در حیطهٔ علم تاریخ، بلکه در قلمرو علوم دیگر نیز می‌تواند محل رجوع باشد. به عنوان نمونه، این اثر به دلیل بحث در مورد نحوهٔ حکومت دولت‌های آق‌قویونلو و صفویان متقدم، نیز دول ونیز، گرجستان و تانا، می‌تواند

در حیطهٔ جامعه‌شناسی سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. هم‌چنین به دلیل اطلاعات ارزنده‌ای که دربارهٔ کوه‌ها، بیابان‌ها، رودها، محصولات کشاورزی و شرایط اقلیمی ارائه می‌نماید، در حیطهٔ علم جغرافیا می‌تواند محل رجوع باشد. نیز، از آن جایی که این کتاب به بررسی روابط و سیاست حکومتی دولت‌ها پرداخته و به تجزیه و تحلیل مناسبات دول اشاره می‌کند، می‌تواند در حیطهٔ علم سیاست و روابط بین‌الملل منبع مؤثری محسوب گردد.

۳- تقدس‌گرایی و اعتقاد به مسیح و مسیحیت

شیوهٔ نگرش و نگارش در سفرنامه‌های ونیزیان مقدس‌مآبانه است. در این اثر، تقدیرگرایی، اعتقاد به مشیت الهی و قضا و قدر به نحو آشکاری نمایان است. نویسندگان ونیزی در تحلیل قضایای تاریخی رویکردی همه‌جانبه به قضا و قدر دارند و دست‌سرنوشت و پای‌تقدیر را در رخداد‌های تاریخی دخیل می‌دانند. به عنوان مثال، کاترینو زنو فریب خوردن اغورلو محمد بر اثر شایعهٔ مرگ پدرش اوزون حسن و سپس کشته شدن او را به تقدیر و مشیت الهی نسبت می‌دهد. زنو معتقد است که این خواست خداوند و حکم تقدیر بود که اغورلو محمد کشته شود. (ص ۲۳۸)

به همین ترتیب تقدیرگرایی و اعتقاد به مشیت الهی در همه سفرنامه‌های ونیزیان امری مشهود است.

۴- ذکر اماکن جغرافیایی

یکی دیگر از وجوه اشتراک سفرنامه‌های ونیزیان، ذکر اماکن جغرافیایی است. نویسندگان این سفرنامه‌ها به طور مفصل به توصیف و تشریح اماکن جغرافیایی می‌پردازند و تمام نواحی جغرافیایی را به طرز دقیق معرفی می‌کنند. از آن جایی که هدف اکثر نویسندگان این سفرنامه‌ها سیاسی و نظامی بود، شاید ذکر اماکن برای شناسایی ممالک مختلف لازم بوده است تا در صورت بروز

پی نوشت‌ها:

* از کتاب سفرنامه‌های ونیزیان در ایران چاپ جدیدی با مشخصات ذیل عرضه شده است:

باربارو، جوزافا و دیگران، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه). چاپ دوم با تجدید نظر کامل، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۱. لازم به ذکر است که در تدوین این نوشتار از چاپ نخست کتاب استفاده شده است.

۱- جوادی، حسن، ایران از دیده‌سیاحان اروپایی (از قدیم‌ترین ایام تا اوایل عهد صفویه)، تهران: نشر بوته، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴.

۲- حسن‌زاده، اسماعیل، حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو در ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۹، ص ۱۴۹.

۳- همان، ص ۱۵۰.

۴- جوادی، ایران از دیده‌سیاحان اروپایی (از قدیم‌ترین ایام تا اوایل عهد صفویه)، ص ۱۴۵.

۵- همان، صص ۴۸-۱۴۷.

۶- همان، ص ۱۴۲.

۷- میرجعفری، حسین، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۹، ص ۲۴۹.

۸- «مشاهدات و شایعات در گزارش جوزافا باربارو درباره ایران (۱۴۸۷)»، نشریه خاورمیانه و اقیانوس هند، ۲/۱ (۱۹۸۵)، صص ۸۴-۷۱.

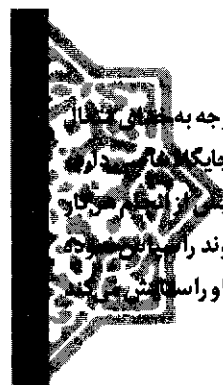
۹- کالمار، ژان و ژاکلین. «کتاب‌شناسی آثار ژان او بن صفویه شناس فقیه فرانسوی ۱۹۹۸-۱۹۳۷» ترجمه علی اصغر مصدق، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال چهارم، شماره اول و دوم، ۳۰ آذر ۱۳۷۹ [پیاپی ۳۷-۳۸ (ویژه مطالعات صفوی)]، ص ۱۱.

۱۰- جوادی، ایران از دیده‌سیاحان اروپایی (از قدیم‌ترین ایام تا اوایل عهد صفویه)، ص ۱۵۷.

۱۱- همان، صص ۴۹-۱۴۸.

۱۲- همان، ص ۱۴۹.

۱۳- همان، ص ۱۵۶.



در نگارش کنتارینی توجه به خطای نگارش

جایگاه نام در

طوری که وی پس از آنکه

یا مأموریتی، خداوند را

و او را سزاوار

جنگ علیه عثمانی از آن توضیحات به منظور تهیه نقشه جنگی و پیشبرد اهداف استراتژیک خویش استفاده نمایند.

۵- مقایسه یک مطلب در دو مکان مختلف به عنوان نمونه، باربارو ضمن تشریح یک واقعه، آن را تحسین کرده و یا تقبیح می‌کند. در این جا معیار قضاوت او، عقل وی است. در آن مورد با توجه به عرف مردم و با عنایت به جنبه عقلانی قضیه، مسئله مورد نظر را ارزیابی کرده و درباره آن به داوری می‌نشیند. او این شیوه را در مورد مردم گرجستان نیز به کار می‌برد. (ص ۴۶) باربارو ضمن مقایسه نحوه پوشیدن ردا و کفش در بین گرجیان، آن موارد را در دو مکان مختلف (یعنی گرجستان و فرانسه یا گرجستان و ایران) مقایسه می‌کند و در مورد حسن و قبح عقلی آن نظر می‌دهد. او در شرح حال شخص قلندر نیز چنین می‌کند. (ص ۵۹)

۶- حب وطن

مهم‌ترین وجه اشتراک سفرنامه‌های ونیزیان، حب وطن است. طوری که نویسندگان ونیزی به احساسات وطن پرستانه خود سخت پای بند بودند. به آن خاطر تمام رنج‌ها و مشقات سفر را متحمل شدند تا مملکت خویش را سرافراز نمایند.

عشق به وطن باعث شده بود تا صاحبان این آثار به مکتوب نمودن وقایع سفر خود بپردازند و هموطنان خویش را با مردم حکومت، آداب و رسوم مشرق زمین و از جمله ایران آشنا نمایند.

در پایان باید اذعان نمود که کتاب سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، منبع موثقی به حساب می‌آید و به ویژه درباره دوران آق قویونلوها و صفویان متقدم می‌تواند مطالب ارزنده‌ای ارائه نماید.